



## ماجرای قتل یک آموزگار در جوزجان؛

### طالبان اجازه نبش قبر ندادند



منابع محلی در جوزجان از قتل یک آموزگار مکتب زیر شکنجه نیروهای استخبارات طالبان خبر می‌دهند. به گفته آنان، این آموزگار حدود شش ماه پیش از سوی افراد طالبان بازداشت شد و اکنون خبر مرگ او به خانواده‌اش رسیده است. طالبان به محاسن سفیدان محل گفته‌اند که این آموزگار پس از جان‌باختن در گوشه‌ای از شهر کابل دفن شده است و خانواده‌اش حق ندارد قبر او را باز کند.

۵



### حملات داعشیان بر قلمرو طالبان؛

# در دو ماه ۹۶ تن کشته شده‌اند

۳

## کارزار گردآوری لباس برای کودکان خیابانی؛

### ۵۰۰ تن بسته کمکی دریافت کردند

۵

## طالبان: حدود نیم گداهای جمع‌آوری شده زن هستند

آن‌ها مستحق و به تعداد یک هزار و ۱۰۳ تن دیگرشان حرفه‌ای شناسایی شده‌اند. معاونت اقتصادی ریاست‌الوزرای طالبان خاطرنشان کرده است که در میان گداهای جمع‌آوری شده به تعداد شش هزار و ۳۷۴ تن کودکانند که به تعداد دو هزار و ۶۰۹ تن آن‌ها مستحق و به تعداد سه هزار و ۷۰۳ تن دیگرشان حرفه‌ای هستند. این در حالی است که چندی پیش طالبان اعلام کرده بودند که گداهای را از سطح شهر کابل جمع‌آوری و با بوم‌تریک می‌کنند. این گروه هشدار داده بود اگر کسی بعد از با بوم‌تریک شدن دوباره گدایی کند، بازداشت خواهد شد. گفتنی است که با روی کار آمدن طالبان در کشور، گراف بیکاری و فقر افزایش یافته و شمار گداهای در افغانستان به‌ویژه در شهر کابل افزایش پیدا کرده است.

مرد بوده که پس از ارزیابی تعداد ۶۳۴ تن



۸صبح، کابل: معاونت اقتصادی ریاست‌الوزرای طالبان می‌گوید که تاکنون بیش از ۱۹ هزار گدا را از نقاط مختلف شهر کابل جمع‌آوری کرده‌اند که حدود نیم آنان زن هستند. معاونت اقتصادی ریاست‌الوزرای طالبان روز یکشنبه، ۱۳ قوس، با نشر توییتی نگاهشده است که کمیته جمع‌آوری گداهای تا امروز به تعداد ۱۹ هزار و ۷۲۲ گدا را از مناطق مختلف شهر کابل جمع‌آوری کرده است. در توییت آمده است که از میان این گداهای جمع‌آوری شده به تعداد ۱۰ هزار و ۹۶۱ تن زن هستند که پس از ارزیابی تعداد چهار هزار و ۴۶۴ تن آن‌ها مستحق و به تعداد شش هزار و ۴۹۷ تن دیگرشان گداهای حرفه‌ای شناسایی شده‌اند. طالبان افزوده‌اند که از میان گداهای جمع‌آوری شده به تعداد یک هزار و ۷۳۷ تن

## مسئله مقاومت دوم چیست؟

در روش تحقیق گاهی میان «سوال» و «مسئله» فرق می‌گذارند. سوال از این نظر عام است و به هر پرسشی خواه قبلاً پاسخی به آن داده شده است یا نه، سوال اطلاق می‌شود. مسأله اما گونه‌ای از سوال است که تاکنون پاسخ نیافته است.



۶

## سومین سال یاد تروور کاکا مراد؛

### «ناکامورا هرگز نمی‌میرد»



۲

## آتش‌سوزی در مرز افغانستان و ایران؛ دهها تراکتور و موتر سوخته‌اند



۸صبح، نيمروز: منابع محلی در ولایت نيمروز از وقوع آتش‌سوزی در مرز مشترک افغانستان و ایران خبر می‌دهند. منابع روز یکشنبه، ۱۳ قوس، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گویند که این آتش‌سوزی حوالی ساعت ۳:۰۰ پس از ظهر امروز در منطقه ماکی، در مرز مشترک افغانستان و ایران رخ داده است. گفته می‌شود در پی این رویداد بیش از ۲۰ تراکتور و چندین موتر از باشندگان دو سوی مرز سوخته و خسارت هنگفت مالی به آنان وارد شده است. منابع می‌افزایند که چندین تن در اثر این آتش‌سوزی زخمی شده‌اند. علت این آتش‌سوزی اشتعال تیل یک تراکتور گفته شده است. بیشتر به دلیل عدم رعایت تدابیر احتیاطی و کمبود امکانات مهار آتش‌سوزی، همواره چنین رویدادهایی خسارات هنگفتی را به بار می‌آورد.

## وزیر تحصیلات طالبان:

### طالبی که ماین‌گذاری زیاد کرده مستحق امتیازات بیشتر است

۸صبح، هرات: ندامحمد ندیم، سرپرست وزارت تحصیلات عالی طالبان، در سفر به ولایت هرات، خواستار امتیازدهی بیشتر به طالبانی شده است که نقش بیشتری در جنگ داشته‌اند. او روز یکشنبه، ۱۳ قوس، در سخنرانی‌اش در جمع استادان دانشگاه هرات دستور داده تا به طالبان به اندازه سال‌های جنگ و تعداد ماین‌گذاری‌هایی که انجام داده‌اند، امتیاز داده شود. ندیم تاکید کرده است که کسی حق ندارد از عالمان دین امتحان بگیرد، اما از جوانان اصولی



سرپرست وزارت تحصیلات عالی طالبان منتشر شده است، او می‌گوید که فرستادن دختران به مکتب فرهنگ خارجی‌ها و عیاشی است.

همچنان در یک نوار تصویری که اخیراً از



## نظام سیاسی آینده و ابهام‌زدایی از مفاهیم

اکثر مردم افغانستان نظام طالبانی نمی‌خواهند، اما نمی‌دانند که دقیقاً چگونه نظامی می‌خواهند. این که مردم نظام طالبانی نمی‌خواهند، حتا برای خود طالبان نیز مسلم است و از همان‌رو از انتخابات می‌هراسند و به نظامی مبتنی بر اراده مردم تن نمی‌دهند. آنان اگر مطمئن می‌بودند که اکثر جامعه با نظراتشان موافق است، قطعاً انتخابات را که شیوه‌ای مدرن و معتبر در دنیای امروز است می‌پذیرفتند؛ در حالی که اکنون داستان طالبان با انتخابات مانند داستان «جن و بسم‌الله» شده و با نام آن نیز حساسیت دارند. فقدان درک روشن از نوعیت نظام‌های سیاسی و سردرگمی گسترده در این زمینه، مخصوص عامه مردم نیست، بلکه بسیاری از فعالان سیاسی و گروه‌های درگیر با وضعیت نیز نمی‌دانند که دقیقاً چگونه نظامی می‌خواهند.

یک دهه قبل، در بهار عربی، که شماری از رژیم‌های منطقه در پی آن فروپاشید و امکان ورود گروه‌هایی با گرایش اسلامی، لیبرال، چپ و محافظه‌کار به عرصه سیاست مساعد شد، یکی از پرسش‌های جدی این بود که آیا گروه‌های اسلام‌گرای سیاسی «دولت دینی» می‌خواهند؟ اکثر صاحب‌نظران این گروه‌ها در پاسخ به آن تأکید می‌کردند که آنان دولت دینی نمی‌خواهند، بلکه دولتی مدنی با مرجعیت اسلامی می‌خواهند! چرا آنان از قبول این که خواهان دولت دینی هستند ابا می‌ورزیدند؟ علتش این بود که دولت دینی در علوم سیاسی تعریف مشخصی دارد. دولت دینی یعنی نظامی که در علوم سیاسی به آن تئوکراسی می‌گویند و تعریف آن این است: «نظامی از دولتداری که در آن رجال دین/ملاها به نام خدا بر مردم فرمان‌روایی کنند.» چنین نظامی در تاریخ بشر بارها تکرار شده و همواره مصیبت و فاجعه آفریده است و به این جهت یکی از بدنام‌ترین نظام‌های سیاسی است که هیچ کس جرأت نمی‌کند آشکارا از آن دفاع و یا به آن دعوت کند. چهره‌های مشهوری مانند یوسف قرضاوی که از نظریه‌پردازان اسلام سیاسی بودند، همراه با سازمان‌هایی مانند اخوان المسلمین، با آگاهی از این تعریف و آن تاریخ چه تأکید می‌کردند که آنان خواهان دولت دینی نیستند، بلکه خواهان دولت مدنی با مرجعیت اسلامی هستند. البته بسیاری از صاحب‌نظران علوم سیاسی می‌پرسیدند که مراد از مرجعیت اسلامی برای دولت مدنی چیست و آیا چیزی از قبیل نظارت استصوابی شورای نگهبان در ایران است؟ اگر به فرض چنین نظامی تشکیل شود در کدام دسته از نظام‌های سیاسی شناخته شده قرار می‌گیرد؟

در افغانستان اغلب کنش‌گران سیاسی، دست‌کم به لحاظ تیوریک در نابالغی مطلق قرار دارند و در زمینه نوع نظام سیاسی گرفتار تناقض‌های شترمرغی‌اند؛ نه می‌خواهند که نظام حاکم بر افغانستان طالبانی/تئوکراتیک باشد و نه می‌خواهند نظامی رسماً لیبرال/دموکراتیک باشد. همچنان که نه با نظامی سکولار و بی‌طرف نسبت به همه اعتقادات کنار می‌آیند و نه به دخالت دولت در امور دینی و اعتقادی رضایت می‌دهند. این تناقض و آشفتگی نظری به سردرگمی و آشفتگی عملی انجامیده و معلوم نیست که باید مردم بر سر چه چیزی برزمنند و بابت برپایی چه نظامی خود را به کشتن بدهند. تا هنگامی که از مفاهیم اساسی درباره نظام سیاسی ابهام‌زدایی نشود، ما دچار خودفریبی خواهیم بود و این به دیگرفریبی در عرصه عمومی خواهد انجامید. موفقیت فعالیت‌های سیاسی و نتیجه بخشیدن آن‌ها بیش از هر چیزی بسته‌گی دارد به راهی از تناقض‌ها و زدودن ابهام‌ها و برخورد صادقانه با خود و با دیگران؛ تا هم مردم تکلیف خود را بدانند و هم دنیا با ما به نتیجه‌ای برسد و هم مسیر مبارزات آینده روشن باشد.

## سومین سالید ترور کاکا مراد؛ «ناکامورا هرگز نمی‌میرد»

۸صبح، کابل: پس از گذشت سه سال از ترور تتسو ناکامورا، شهروند امدادرسان جاپانی در ننگرهار شماری از شهروندان کارزاری را به پاس خدمات او در شبکه‌های اجتماعی راه انداخته‌اند.

دیروز، یکشنبه، ۱۳ قوس، برابر بود با سومین سالید ترور ناکامورا مشهور به کاکا مراد.

۸صبح، کابل: پس از گذشت سه سال از ترور تتسو ناکامورا، شهروند امدادرسان جاپانی در ننگرهار شماری از شهروندان کارزاری را به پاس خدمات او در شبکه‌های اجتماعی راه انداخته‌اند.

دیروز، یکشنبه، ۱۳ قوس، برابر بود با سومین سالید ترور ناکامورا مشهور به کاکا مراد.



در سیزدهم ماه قوس سال ۱۳۹۸ هجری خورشیدی هنگامی که تتسو ناکامورا با پنج همکارش برای نظارت از یک پروژه کاری نهاد خیریه پی‌ام‌اس به ولسوالی شیوه ننگرهار می‌رفت، در شهر جلال‌آباد آماج حمله چهار مهاجم مسلح قرار گرفت و کشته شد.

مسئولیت این رویداد را هیچ گروهی بر عهده نگرفت و طالبان نیز گفتند که در این حمله دست ندارند. این در حالی است که گروه طالبان در حمل سال جاری پارک ناکامورا در محوطه مؤسسه تحصیلات عالی زابل را به نام «شهید روزی خان»، اولین جنگ‌جوی این گروه در زابل تغییر داد.

### ادامه محاکمه‌های صحرایی؛

## طالبان هفت تن به‌شمول یک زن را در غور شلاق زدند

۸صبح، غور: در ادامه محاکمه‌های صحرایی، طالبان به‌تازگی یک زن و شش مرد را در غور شلاق زده‌اند.

این افراد روز یکشنبه، ۱۳ قوس، در مرکز ولایت غور به جرم داشتن روابط خارج از ازدواج، فساد اخلاقی و نوشیدن شراب مجازات شده‌اند.

۸صبح، غور: در ادامه محاکمه‌های صحرایی، طالبان به‌تازگی یک زن و شش مرد را در غور شلاق زده‌اند.

این افراد روز یکشنبه، ۱۳ قوس، در مرکز ولایت غور به جرم داشتن روابط خارج از ازدواج، فساد اخلاقی و نوشیدن شراب مجازات شده‌اند.

## ۹۲۵ کودک افغان در شش ماه پسین از ایران اخراج شده‌اند



رفته بودند می‌گویند که به‌خاطر فقر و مشکلات اقتصادی راه قاچاق را در پیش گرفته و به ایران رفتند.

براساس گفته‌های منابع از ولایت نیمروز، این تعداد از کودکان اکنون در یک کمپ مربوط به صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل یا یونیسف نگهداری می‌شوند.

در پی تسلط طالبان بر افغانستان، شماری از سازمان‌های بین‌المللی گزارش دادند که روزانه دست‌کم ۴ هزار تن به‌گونه غیرقانونی از افغانستان به ایران مهاجرت می‌کنند.

۸صبح، نیمروز: منابع در ولایت نیمروز تأیید می‌کنند که در شش ماه پسین نزدیک به ۱۰۰۰ کودک مهاجر افغان از ایران اخراج شده‌اند.

منابع در ولایت نیمروز روز یکشنبه، ۱۳ قوس، به روزنامه ۸صبح می‌گویند که شمار کودکان اخراج شده از ایران به ۹۲۵ تن می‌رسد.

این کودکان در شش ماه پسین هنگام ورود غیرقانونی به ایران از خانواده‌هایشان جدا شده و پس از بازداشت از سوی نیروهای مرزی ایران به‌صورت انفرادی اخراج شده‌اند. این تعداد کودکان که بیشترشان برای کار به ایران

## طالبان در غور کمک‌های مؤسسات به‌ویژه پول نقد را از مردم پس می‌گیرند

پس به طالبان بدهند. مؤسسه‌های به‌نام انصاری در غور به هر خانواده در ولسوالی پسابند مبلغ ۲۷۵ دالر پول نقد توزیع کرده است.

منابع می‌گویند که مسوولان محلی طالبان در ولسوالی پسابند ولایت غور از مردم خواسته‌اند تا کمک‌های این مؤسسه را به طالبان بدهند. این در حالی است که مردم در شرایط بد اقتصادی به‌سر می‌برند و کمک‌های مؤسسات تنها منابعی است که مردم در زمستان پیش رو به آن‌ها چشم بسته‌اند.

طالبان در غور تا کنون در این مورد چیزی نگفته‌اند. پیش از این نیز گزارش‌هایی از حیف‌ومیل کمک‌های بین‌المللی از سوی طالبان نشر شده که نگرانی سازمان‌های کمک‌رسان را در پی داشته است.



۸صبح، غور: منابع محلی در ولایت غور می‌گویند که طالبان کمک‌های مؤسسات امدادرسان به مردم را از آنان پس می‌گیرند.

منابع روز یکشنبه، ۱۳ قوس، در صحبت با روزنامه ۸صبح می‌گویند که طالبان به مردم در این ولایت گفته‌اند تا کمک‌های مؤسسات به‌ویژه پول نقد را

## داعش مسوولیت حمله بر سفارت پاکستان در کابل را بر عهده گرفت

۸صبح، کابل: گروه داعش اعلام کرده که حمله بر سفارت پاکستان در کابل، کار این گروه بوده است.

گروه داعش روز یکشنبه، ۱۳ قوس، با نشر خبرنامه‌ای گفته که «به سفیر مرتد پاکستان و نگهبانانش» حمله کرده است.

داعش ادعا کرده که این حمله توسط دو عضو این گروه انجام شده و عبیدالرحمان نظامانی، سفیر پاکستان در کابل، هدف حمله بوده است. داعش افزوده که در این حمله حداقل یک نگهبان سفارت زخمی شده است.

گفتنی است که عصر روز جمعه، ۱۱ قوس، سفیر پاکستان در کابل که در محوطه سفارت در حال قدم زدن بود، آماج تیراندازی قرار گرفت.

عبیدالرحمان نظامانی، سفیر پاکستان در کابل، در این حمله آسیب ندید؛ اما یک محافظ سفارت به‌نام اسرار محمد زخمی شد.

پس از این حمله گفته شد که پاکستان می‌خواهد دیپلماتان خود را از افغانستان به‌گونه موقت خارج کند؛ اما به‌تازگی وزارت امور خارجه پاکستان گفته است که برنامه‌ای برای انتقال دیپلماتان خود از افغانستان ندارد.

این دومین مکان دیپلماتیک در افغانستان زیر کنترل طالبان است که طی سه ماه گذشته مورد حمله مسلحانه قرار می‌گیرد. پیش از این سفارت روسیه در کابل مورد حمله قرار گرفته بود.



## سه پولیس پاکستان در نزدیکی مرز با افغانستان کشته شدند

۸صبح، کابل: مقام‌های پاکستان می‌گویند که سه پولیس این کشور توسط طالبان پاکستانی در نزدیکی مرز با افغانستان کشته شده‌اند.

محمدعلی کنداپور، مقام پولیس پاکستان، به خبرگزاری رویترز گفته است که این منسوبان پولیس دیشب، ۱۲ قوس، در پی حمله افراد مسلح در ایالت خیبرپختونخواه در منطقه «نوشهر» کشته شدند.

به گفته کنداپور، این نیروهای پاکستانی زمانی هدف حمله قرار گرفتند که مصروف گشت‌زنی در نزدیکی مرز با افغانستان بودند.

رسانه‌های پاکستانی گزارش داده‌اند که امروز تحریک طالبان پاکستانی مسوولیت این رویداد را برعهده گرفته است.

طالبان پاکستانی یک هفته پیش آتش‌بس نامحدودی را که در ماه جون با میانجی‌گری طالبان افغانستان با حکومت پاکستان عقد کرده بودند، لغو کردند.

این گروه با نشر اعلامیه‌ای، به جنگ‌جویانش دستور داده است تا در سراسر پاکستان حملات خود را راه‌اندازی کنند.





## حملات داعشیان بر قلمرو طالبان؛

# در دو ماه ۹۶ تن کشته شده‌اند

فعالیت‌های گروه‌های مسلح از چندی به این سو در ولایت هرات افزایش یافته است. گفته می‌شود گروه داعش قصد دارد به این ولایت ریشه بدواند، طالبان اما حضور فزینی داعش در کشور را رد کرده‌اند. منابع محلی در سوم قوس از حمله افراد مسلح بر یکی از پاسگاه‌های طالبان در ولایت هرات خبر داده‌اند.

مجاهد، سخنگوی طالبان، به تاریخ ۳۰ میزان از عملیات نظامی در مربوطات حوزه هشتم امنیتی شهر کابل خبر داد. او گفت که این عملیات بر یکی از مخفی‌گاه‌های شاخه خراسان داعش انجام شده و در نتیجه آن شماری از جنگ‌جویان این گروه کشته شده‌اند. مجاهد توضیح داد: «داعشی‌های کشته شده در این عملیات کسانی بودند که در انفجارهای اخیر در مسجد وزیر محمد اکبر خان، کورس تعلیمی کاج در دشت برچی و بعضی جنایات دیگر علیه مردم ملکی دست داشتند».

**واکنش شهروندان و سیاستمداران**  
با این حال، شماری از شهروندان از ادامه حملات داعش در مساجد، تکیه‌خانه‌ها، خانقاه‌ها و اماکن عمومی ابراز نگرانی می‌کنند. نگرانی شهروندان در موتورهای مسافربری شهری، مجالس خصوصی و دوره‌های دوستانه همواره سر زبان‌ها است. هرچند آنان خواهان تأمین امنیت در کشورند، اما از طالبان انتظار ندارند تا امنیت آنان را تأمین کنند.

شماری از چهره‌های سیاسی که در نشست زیر عنوان «نشست امنیتی هرات» در شهر دوشنبه، پایتخت تاجیکستان، جهت گفت‌وگو پیرامون نظام سیاسی فراگیر و ارایه راه‌حل برای چالش‌های موجود در افغانستان گرد آمده بودند، در حاشیه این نشست تذکر دادند که طالبان توانایی تأمین امنیت افغانستان را ندارند. احمد مسعود، رهبر جبهه مقاومت ملی، هشدار داده است که افغانستان به مرکز تروریسم و محل سربازگیری گروه‌های تروریستی بدل شده است. مسعود افزوده است: «حوادث نزدیک به ۱۶ ماه گذشته در افغانستان و یافته‌های کارشناسانه دو روز گفت‌وگوی امنیتی هرات در شهر دوشنبه حاکی از آن است که طالبان در ادعای خود برای آوردن صلح و ثبات در کشور شکست کامل خورده و قادر به کنترل اوضاع نیستند.»

افراسیاب ختک، رهبر حزب «عوامی ملی» پاکستان نیز در این نشست گفته است که افغانستان به میدان رقابت استراتژیک قدرت‌های بزرگ تبدیل شده است. ختک همچنان گفته است که طالبان دوام نمی‌آورند؛ زیرا «افراطی و بدوی» اند و توانایی دولت‌داری را ندارند. فرهاد سلیم، معاون وزارت امور خارجه تاجیکستان، نیز در این نشست از افزایش فعالیت‌های تروریستی در خاک افغانستان ابراز نگرانی کرده و بر تشکیل نظام سیاسی فراگیر در افغانستان تأکید کرده است. این همه در حالی است که جنرال کنت مکنزی، رییس ستاد فرماندهی مرکزی ارتش ایالات متحده آمریکا، در ماه حوت سال گذشته خورشیدی در صحبت با کمیته نیروهای مسلح سنای این کشور درباره از سرگیری فعالیت گروه داعش در تابستان سال ۱۴۰۱ در افغانستان هشدار داده بود. مکنزی گفته بود که طالبان در تلاش‌های خود برای سرکوب داعش در این کشور «شکست می‌خورد» و محتمل است که با نزدیک شدن تابستان، حملات تروریستی داعش در این کشور افزایش یابد.

گفته است که کودکان افغان باید گرمی داشته شوند و از آنان محافظت صورت گیرد. یوناما از بررسی همه‌جانبه چگونه‌گی این انفجار مرگبار خبر داده و از مسوولان این مدرسه خواسته است تا در این زمینه پاسخگو باشند. تاکنون فرد یا گروهی مسوولیت این انفجار را برعهده نگرفته است.

**حمله‌های مسلحانه در هرات**  
فعالیت‌های گروه‌های مسلح از چندی به این سو در ولایت هرات افزایش یافته است. گفته می‌شود گروه داعش قصد دارد به این ولایت ریشه بدواند، طالبان اما حضور فزینی داعش در کشور را رد کرده‌اند. منابع محلی در سوم قوس از حمله افراد مسلح بر یکی از پاسگاه‌های طالبان در ولایت هرات خبر داده‌اند. این حمله در منطقه چهارباغ فیروزه از مربوطات ولسوالی انجیل صورت گرفت. در نتیجه این حمله مسلحانه چهار تن از نیروهای طالبان کشته و سه تن دیگر آنان زخمی شده‌اند. تاکنون مشخص نیست چه گروهی بر پاسگاه طالبان حمله کرده است. طالبان نیز در این مورد چیزی نمی‌گویند.

از آن پیش موتر کاستر حامل کارمندان قول‌اردوی الفاروق طالبان در هرات مورد حمله مسلحانه قرار گرفت. این حمله در ۷ عقرب صورت گرفت و در نتیجه آن پنج عضو گروه طالبان کشته شدند و ۱۸ تن دیگر زخم برداشتند. گروه داعش مسوولیت آن حمله مسلحانه را برعهده گرفته و توضیح داده که یکی از جنگ‌جویان این گروه بالای سرنشینان این کاستر شلیک کرده است. در رویدادی دیگر، افراد مسلح بر یک پاسگاه طالبان در منطقه فرقه شهر در هرات حمله کردند. باشندگان محل می‌گویند که درگیری میان افراد مسلح و جنگ‌جویان طالبان از حوالی ساعت ۳:۰۰ بامداد تا نیمه‌های روز پنجم عقب ادامه داشته است. منابع محلی به روزنامه ۸ صبح می‌گویند که در نتیجه این حمله، ۱۴ جنگ‌جوی طالبان کشته شده‌اند. مسوولان طالبان در هرات تاکنون در این مورد ابراز نظر نکرده‌اند. از این پیش یک رویداد خونین دیگر در منطقه دشت برچی کابل نیز ده‌ها کشته و زخمی برجای گذاشت. براساس گزارش‌ها، مهاجمان مسلح دو ماه و هفت روز پیش (جمعه، ۸ میزان) آموزشگاه کاج در غرب کابل را آماج حمله انتحاری قرار دادند. در نتیجه این حمله دست کم ۵۳ تن کشته شدند و ۱۱۰ تن دیگر زخم برداشتند. بیشتر قربانیان این رویداد را دانش‌آموزان دختر شکل می‌دهند.

این حمله نیز واکنش‌های تند شخصیت‌های سیاسی، نهادهای بین‌المللی و جامعه جهانی را در پی داشت. سازمان عفو بین‌المللی با نشر خبرنامه‌ای این حمله را هولناک توصیف کرده و گفته است که این دست‌حمله‌ها بر مناطق اقلیت هزاره بیانگر ناتوانی شرم‌آور و شکست مطلق طالبان در حفاظت از شهروندان افغانستان است. طالبان این حمله را به گروه داعش نسبت داده و گفته است که عاملان آن را به رگ‌بار بسته‌اند. ذبیح‌الله

محکومیت این حمله گفته است که مهاجمان انتحاری با لباس زنانه خود را به نزدیکی مسجد رسانده بودند، اما پیش از انفجار مواد همراهشان توسط محافظان او از پا درآورده شده‌اند.

امیرخان متقی، سرپرست وزارت خارجه طالبان، یک روز پس از این حمله به دیدار رهبر حزب اسلامی رفته و در مورد تأمین امنیت بیشتر، بازداشت و مجازات عاملان این حمله به او اطمینان داده است. حامد کرزی، رییس جمهور پیشین و عبدالله عبدالله، رییس شورای عالی مصالحه پیشین، حمله بر دفتر حزب اسلامی را محکوم کرده‌اند.

**انفجار در مدرسه الجهادیه**  
همچنان روز چهارشنبه، ۹ قوس، انفجار مرگباری در مدرسه الجهادیه شهر ایبک، مرکز ولایت سمنگان، رخ داد. این انفجار هنگام ادای نماز چاشت رخ داد و ده‌ها کشته و زخمی برجای گذاشت. یوناما در تازه‌ترین گزارش خود اعلام کرده که در پی این انفجار ۱۹ تن کشته شده و ۲۳ تن دیگر زخم برداشته‌اند. ۲۰ کودک نیز در میان قربانیان این رویداد شامل‌اند.

انفجار در داخل مسجد در شهر ایبک واکنش شماری از چهره‌های سیاسی داخلی و خارجی را برانگیخته است. رینا امیری، نماینده ویژه آمریکا برای زنان افغانستان، در توییتی حمله بر مدرسه الجهادیه را «وحشیانه» توصیف کرده و افزوده است: «حمله وحشیانه در سمنگان که منجر به کشته و زخمی شدن ده‌ها تن، عمدتاً کودکان شد، بسیار دلخراش است. چنین خشونت ناجوان‌مردانه علیه کودکان حمله به آینده افغانستان است و باید متوقف شود.» همچنان کرن دیگر، کاردار سفارت آمریکا برای افغانستان، این حمله را «فرت‌انگیز» خوانده و

شماره‌ای از چهره‌های سیاسی که در نشست زیر عنوان «نشست امنیتی هرات» در شهر دوشنبه، پایتخت تاجیکستان، جهت گفت‌وگو پیرامون نظام سیاسی فراگیر و ارایه راه‌حل برای چالش‌های موجود در افغانستان گرد آمده بودند، در حاشیه این نشست تذکر دادند که طالبان توانایی تأمین امنیت افغانستان را ندارند. احمد مسعود، رهبر جبهه مقاومت ملی، هشدار داده است که افغانستان به مرکز تروریسم و محل سربازگیری گروه‌های تروریستی بدل شده است.

هرچند نظامیان ایالات متحده آمریکا از احتمال افزایش حملات گروه داعش در تابستان سال روان خورشیدی هشدار داده بودند، اما ظاهراً حملات این گروه با سرد شدن هوا شدت گرفته است. تنها در جریان دو ماه و هفت روز گذشته دست کم ۹۶ تن در پی حملات گروه داعش در افغانستان کشته شده‌اند. در این میان ۷۳ تن غیرنظامی و ۲۳ تن عضو طالبان بوده‌اند. افزون بر کشته‌گان، در این مدت ۱۴۱ غیرنظامی و ۲۱ جنگ‌جوی طالب زخم برداشته‌اند. تنها در دو روز گذشته دو حمله مسلحانه و یک حمله انفجاری در کابل و ننگرهار صورت گرفته است. این سه حمله تلفات جانی و مالی برجای گذاشته است. با این حال، شهروندان از ادامه این دست‌حملات ابراز نگرانی می‌کنند و خواهان تأمین امنیت در کشورند. چهره‌های سیاسی به این باورند که افغانستان به میدان رقابت استراتژیک قدرت‌های بزرگ بدل شده و از دایره کنترل طالبان بیرون است.

براساس گزارش‌ها، حوالی ساعت ۴:۰۰ عصر شنبه، ۱۲ قوس، انفجار نیرومندی در مربوطات ناحیه اول شهر جلال‌آباد، مرکز ولایت ننگرهار، رخ داد. رییس اطلاعات و فرهنگ طالبان در ننگرهار تأیید می‌کند که در نتیجه این انفجار شش غیرنظامی زخمی شده‌اند. این انفجار ناشی از موادی بوده که در نزدیکی دکان چرن سینگ، یگانه هندوی باقی‌مانده در این ولایت، جابه‌جا شده بود. باشندگان محل می‌گویند که این انفجار به حدی نیرومند بوده که شیشه پنجره‌های خانه‌ها و دکان‌های همجوار را شکستاده و به باشندگان محل آسیب مالی وارد کرده است. مسوولان محلی طالبان همچنان از کشف و خنثاسازی دو ماین دیگر در نزدیکی محل این رویداد خبر داده‌اند. هرچند مسوولیت این حمله را تاکنون فرد یا گروهی برعهده نگرفته، اما بیشتر این دست‌حملات را شاخه خراسان گروه داعش برعهده می‌گیرد.

در کنار این، سفارت پاکستان در منطقه کارته پروان کابل سه روز پیش (جمعه، ۱۱ قوس) گواه یک حمله مسلحانه بوده است. گفته می‌شود مهاجمان قصد ترور عبدالرحمان نظامانی، سفیر پاکستان را داشتند، اما موفق نشدند. مقام‌های پاکستانی گزارش داده‌اند که آقای نظامانی در حال گشت‌زنی در داخل محوطه سفارت بوده که آماج گلوله‌باری قرار گرفته است. در نتیجه این حمله یکی از محافظان سفارت پاکستان به نام اسرارمحمد زخمی شده است. گزارش شده که تیراندازی از ساختمانی در نزدیک این سفارت صورت گرفته است. طالبان نیز اعلام کرده‌اند که پس از تیراندازی، نیروهای این گروه به محل رسیده و یک فرد مظنون را با دو میل سلاح از ساختمانی در نزدیکی سفارت پاکستان، بازداشت کرده‌اند.

وزارت خارجه پاکستان سوءقصد به جان سفیرش در کابل را «خطای امنیتی جدی» عنوان کرده و این رویداد را بسیار نگران‌کننده خوانده است. این وزارت روز جمعه، ۱۱ قوس، در خبرنامه‌ای گفته است که سفیر طالبان در اسلام‌آباد را در پیوند به تیراندازی بالای سفارتش در کابل احضار کرده است. وزارت خارجه پاکستان تأکید کرده که تأمین امنیت و حفاظت از نماینده‌گی‌های دیپلماتیک و کارمندان پاکستان برعهده «دولت موقت» افغانستان است. حمله بر سفارت پاکستان در کابل واکنش‌های گسترده‌ای را در پی داشته است. مقام‌های ایالات متحده آمریکا، بریتانیا و شماری از کشورهای دیگر این حمله را محکوم کرده‌اند.

هرچند شاخه خراسان گروه داعش مسوولیت این حمله را برعهده گرفته، اما دولت پاکستان به اعلامیه این گروه با دیده شک می‌نگرد. وزارت خارجه پاکستان تصمیم گرفته تا این حمله را به‌گونه مستقل در مشورت را طالبان بررسی و ادعای گروه داعش را راست‌آزمایی کند. دولت پاکستان درباره چگونه‌گی بررسی این قضیه جزئیات ارایه نکرده است. ممتاز بلوچ، سخنگوی وزارت امور خارجه پاکستان، گفته است که این حمله یادآوری دیگری از تهدیدی است که تروریسم برای صلح و ثبات در افغانستان و منطقه ایجاد می‌کند.

در مورد دیگر، دفتر مرکزی حزب اسلامی واقع در منطقه دارالامان شهر کابل نیز روز جمعه، ۱۱ قوس، گواه یک حمله مسلحانه بود. در این رویداد دو مهاجم مسلح هنگام ادای نماز جمعه به مسجدی در محوطه دفتر حزب اسلامی حمله کردند. هدف این مهاجمان ترور گلبدین حکمتیار، رهبر حزب اسلامی، خوانده شده، اما به او آسیبی نرسیده است. طبق گزارش‌ها، در نتیجه زدوخورد مسلحانه میان مهاجمان و محافظان گلبدین حکمتیار، یک نمازگزار کشته و دو تن دیگر زخمی شده‌اند. آقای حکمتیار در پیامی تصویری ضمن



# عاملان شکست دموکراسی و تقای حکومت همه شمول

اشرف غنی، رییس‌جمهور فراری که آخرین امیدهای مردم را به یأس مبدل کرد، نقش پررنگ‌تر از اسلافش در شکست دموکراسی و روایت جمهوریت دارد. او با لجاجتی، توهم‌اندیشی‌ها و نگرش خودی و غیرخودی به نیروهای هم‌سو و باورمند به دموکراسی، نظام جمهوری را به نظام سه‌نفره تقلیل داد. تا توان داشت نهادهای دولتی را زیر و رو کرد. دست نهادهای امنیتی را بست. صلاحیت‌های تصمیم‌گیری را از آن‌ها گرفت و به بی‌تجربه‌ترین، غیر مسلکی‌ترین و ناتوان‌ترین چهره‌ها از لحاظ دانش و تجربه نظامی سپرد. از قوماندان ولسوالی تا آمر حوزه، همه را خودش تعیین می‌کرد و در موردشان تصمیم می‌گرفت.



کسی حتا صلاحیت ریش و موی سر خود را نیز ندارد. مطابق میل خویش لباس پوشیده نمی‌تواند و امید و شادی نیز از مردم گرفته شده است. در چنین فضایی است که شماری از حامیان پشت صحنه پیروزی آنان آستین برزده‌اند، می‌خواهند زیر نام حکومت همه‌شمول تسلیمی و شکست جمعی را به طالبان بسپارند و هدف از همه شمول بودن حکومت را به ماموریت گرفتن چند چهره قومی خلاصه کنند و بساط دموکراسی و انتخابات را برای همیشه از کشور برچینند.

سفر اخیر حامد کرزی، ملا یعقوب و انس حقانی در امارات متحده عربی، در راستای همین سیاست و تحقق چنین چیزی صورت گرفته می‌تواند. پیش از این هم صداهای زیادی از اطراف و اکناف جهان در این مورد شنیده شده است. این عاملان شکست دموکراسی و انتخابات، فضا را برای حضور مجدد خویش نمی‌بینند، عمرشان نیز ایجاب نمی‌کند و نیز به مرگ سیاسی خویش می‌اندیشند و طبیعتاً در این زمینه نگاه‌های قومی و هژمونی‌طلبی در قدرت بودن قوم‌شان هم که نقش عمده دارد، بر آن شده‌اند تا برای طالبان مشروعیت ببخشند و کشور را به شکل رسمی به این گروه بسپارند. در بحبوحه حکومت همه‌شمول خواهی، نسل نو باید بیندیشد؛ چون در بستر امکانات ارتباطی و اطلاعاتی بالیده و رشد یافته است که از فهم بهتر در افق جهانی برخوردار است و در هویت جهانی متناسب با زیست جهانی جدید می‌تواند واقعیت‌های موجود نسل نو افغانستان را خوب‌تر و بهتر نماینده‌گی کند و جهان نیز نسبت به نگرانی که از هراس‌افگنی و افراطیت دارد، نگاه دیگری به افغانستان دارد. بنابراین، نسل جدید باید درک کند که چگونه می‌تواند از فرصت‌ها و ظرفیت‌هایی که بر سر دولت‌سازی و نقشه راه سیاسی در این روزها در مجامع بین‌المللی برای افغانستان مطرح می‌گردد، استفاده کند. این حرکت‌ها و نشست‌ها حتا اگر نمادین باشند، می‌توانند راهبردی جدی و نیرومند برای تحقق مردم‌سالاری و مشارکت سیاسی متناسب با بافت اجتماعی افغانستان شمرده شود. افغانستان با بیعت و تسلیمی ساخته نمی‌شود. تنها راه پیروزی افغانستان، توسعه و همه‌شمولیت، رجوع به آرای مردم و برگزاری انتخابات سراسری است.

مهندسی کرد و به‌جای نماینده مردم، نماینده‌های دولت را به خانه ملت فرستاد. بی اعتمادی مردم به نهاد دولت و روایت جمهوری، در زمام‌داری او به اوج خود رسید؛ به‌گونه‌ای که مردم و نیروهای امنیتی حاضر نشدند هنگام سقوط یک مرمی به سوی کسانی که دو دهه علیه شان جنگیده بودند، فیر کنند.

در کنار این دو، نیروهای سیاسی پراکنده و رهبران سرگردان احزاب که ۲۰ سال تمام برای کسب ماموریت دولتی تلاش کردند، دغدغه و سودای کلان سیاسی را در گماشتن بچه‌ها و خویشاوندان‌شان در وزارت‌ها و سفارت‌ها خلاصه کردند. از بندرها و نهادهای درآمدزا سهم گرفتند و از سیاست، دکان‌داری ساختند و نگذاشتند که خواست‌ها و مطالبات اساسی مردم به گفتمان اساسی قدرت مبدل شود. در واقع، این رهبران «گاه در آغوش این و گاه در آغوش آن» سهم کم‌تری از این دو چهره برای هدر دادن فرصت‌های طلایی افغانستان ندارند. آنان نتوانستند که از عقبه مردمی‌ای که داشتند به شکل درست در راستای تعمیم ارزش‌های دموکراتیک، پیروزی دموکراسی و اراده مردم استفاده درست و بهینه کنند. اکثر رهبران سیاسی در زدوبندهای سیاسی دو دهه گذشته فقط به زنده‌گی و جیب شخصی خویش اندیشیدند و خواست‌ها و مطالبات مردم را دست‌کم گرفتند یا هم در معاملات سیاسی به قمار زدند. این عوامل و ده‌ها عامل دیگر که به عنوان عمده‌ترین عامل داخلی در سقوط جمهوریت شمرده می‌شود، باعث شد که طالبان با سرکشیدن باده پیروزی، مست گردند و هیچ واقعیت و حقیقت را که در جریان ۲۰ سال گذشته در افغانستان شکل گرفته بود، نپذیرند، یک‌سره همه را انکار کنند و بساط تمام ارزش‌ها و ساختارهایی را که با خون هزاران تن و قربانی‌های بی‌شمار شهروندان کشور به میان آمده بود، برچینند.

این گروه به رغم خوش‌بینی‌های کاذبی که نسبت به آنان شکل گرفته بود یا ترویج شده بود، هیچ تغییری نسبت به گذشته خویش نکرده و دست از سرکوب، خفقان و ستم‌گری برنداشته‌اند. هیچ بخشی از حوزه فردی و جمعی هیچ نسلی را به رسمیت نشاخته و فضا را به‌گونه‌ای ساخته‌اند که

مورال رزمی نیروهای امنیتی پیشین بود، بلکه بانی شکست دموکراسی و انتخابات نیز به شمار می‌رود. او بود که در انتخابات تقلب کرد، به صندوق‌های آرای مردم دست زد و از درون صندوق، ادبیات سیاسی-انتخاباتی تحت نام «انتخابات گوسفندی» را بیرون کرد و تا سرحد جنگ و ویرانی حاضر نشد که مردم نتیجه حضور و رای خود را در صندوق‌های انتخابات ببینند. او علاوه بر این که حامی فسادپیشه‌گان و سپردن کرسی‌های دولتی به خان‌زاده‌ها و قوماندان‌های جهادی و نیم‌چه جهادی‌ها بود، که از دزدان تکنوکراتی نیز حمایت گسترده و همه‌جانبه کرد و هرچه در چانته دولت بود، خرج خوش‌وبش و عبا و قبای سیاست خویش کرد.

اشرف غنی، رییس‌جمهور فراری که آخرین امیدهای مردم را به یأس مبدل کرد، نقش پررنگ‌تر از اسلافش در شکست دموکراسی و روایت جمهوریت دارد. او با لجاجتی، توهم‌اندیشی‌ها و نگرش خودی و غیرخودی به نیروهای هم‌سو و باورمند به دموکراسی، نظام جمهوری را به نظام سه‌نفره تقلیل داد. تا توان داشت نهادهای دولتی را زیر و رو کرد. دست نهادهای امنیتی را بست، صلاحیت‌های تصمیم‌گیری را از آن‌ها گرفت و به بی‌تجربه‌ترین، غیر مسلکی‌ترین و ناتوان‌ترین چهره‌ها از لحاظ دانش و تجربه نظامی سپرد. از قوماندان ولسوالی تا آمر حوزه، همه را خودش تعیین می‌کرد و در موردشان تصمیم می‌گرفت. این امر باعث شد که سلسله مراتب و فرهنگ مکافات و مجازات از ساختار امنیتی از بین برود و داشتن امید به اداره سالم مبتنی بر رعایت نظم و دسیپلین اداری ناپود شود. او با سبک‌دوش کردن هزاران نیروی متخصص و کارکشته و گماشتن صدها آدم غیرمسلکی و بی‌دانش و بی‌تجربه، نیروهای امنیتی را عملاً در حالت متلاشی قرار داده بود. علاوه بر انحصاری ساختن تمام منابع دولتی و قدرت، نتوانست انتخابات سراسری و بدون تقلب را برگزار کند و حتا اراده این را هم نداشت. در انتخابات پارلمانی مداخله کرد، در گزینش و تعیین نماینده‌گان، آرای مردم را کنار گذاشت و به فیصله‌های نهادهای انتخاباتی احترام نگذاشت. آنان را تهدید و توهین کرد و سرانجام نتیجه آن را

رهبران سیاسی دو دهه گذشته که سکان‌دار قدرت و سیاست در افغانستان بوده‌اند، فرصت‌های طلایی افغانستان را با رویکردهای قومی و قبیله‌ای‌شان به هدر



امین کاوه

دادند. از دموکراسی و انتخابات هراسیدند و تا توان داشتند روند دموکراتیک‌سازی نهادها و بسترهای آن‌ها را تضعیف کردند. تضعیف‌سازی دموکراسی از گماشتن‌های افراد غیردموکرات، غیرمسلکی و فنی در نهادهای تخصصی گرفته تا دست‌برد به آرای مردم و بدنام‌سازی روندهای کلان ملی را در بر می‌گرفت که می‌توانست امید برای توسعه، تأمین عدالت اجتماعی و برابری شهروندی خلق کند. این رهبران سیاسی به ویژه حامد کرزی و اشرف غنی احمدزی، دو چهره‌ای که در دو دهه افغانستان را رهبری کرده‌اند، سهم کلیدی و اساسی در بدنام‌سازی دموکراسی، شکست روند دولت‌سازی مدرن و ایجاد بحران در همه ابعاد آن نقش برآورده داشته‌اند. سیاست حمایت از طالب، تقلب در انتخابات، عدم تمکین به اراده جمعی و سیاست «تفرقه بینداز و حکومت کن» از مهم‌ترین ویژه‌گی‌های حکومت‌داری این دو زمام‌دار در دو دهه حضور جامعه جهانی و هزینه کردن میلیاردها دالر در افغانستان است.

حامد کرزی عملاً در فربه‌سازی طالبان و تضعیف روایت جمهوریت در مقابل آنان متهم است. آقای کرزی هیچ‌گاه قهرمانی‌ها، دلیری‌ها و جان‌نثاری‌های نیروهای شجاع امنیتی را که تا آخرین قطره خون در مقابل تهاجم طالبان در گوشه‌گوشه کشور می‌جنگیدند، چنان‌که شایسته‌اش بود، قدر ندانست و پیوسته از طالبان به عنوان برادران خویش یاد کرد. وقتی سرباز در میدان جنگ متوجه شود، بشنود و ببیند که سرقوماندان اعلائی قوای مسلح، دشمن میهن و تمامیت ارضی را برادر خطاب می‌کند، انگیزه و مورال رزمیدن از او ستانده می‌شود. ممکن در حالت تدافعی و دفاع مشروع از جان خویش با دشمن می‌جنگید، اما حس میهن‌دوستی، تعهد و جان‌بازی که در راه آزادی انجام داده بود، در دلش می‌مرد و سلاح‌اش دیگر آن برنده‌گی را از دست می‌داد. حامد کرزی نه‌تنها مسوول شکست انگیزه و

# ماجرای قتل یک آموزگار در جوزجان؛ طالبان اجازه نبش قبر ندادند



۸ صبح، پروان

منابع محلی در جوزجان از قتل یک آموزگار مکتب زیر شکنجه نیروهای استخبارات طالبان خبر می‌دهند. به گفته آنان، این آموزگار حدود شش ماه پیش از سوی افراد طالبان بازداشت شد و اکنون خبر مرگ او به خانواده‌اش رسیده است. طالبان به محاسن سفیدان محل گفته‌اند که این آموزگار پس از جان‌باختن در گوشه‌ای از شهر کابل دفن شده است و خانواده‌اش حق ندارد قبر او را باز کند. خانواده مقتول یکی از نزدیکان رییس‌الوزرای طالبان را در پیوند به قتل این آموزگار متهم می‌کند، اما توضیح می‌دهد که در حال حاضر توان اقدامی را ندارد.

منابع معتبر روز یکشنبه، ۱۳ قوس، در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گویند که این فرد محمدیوسف یعقوبی نام داشت و حدود شش ماه پیش از سوی ریاست استخبارات طالبان از ولسوالی درزاب ولایت جوزجان بازداشت شده بود. به گفته منابع، طالبان پس از گذشت شش ماه به خانواده و بزرگان محل گفته‌اند که محمدیوسف از سوی قطعه بدری آنان کشته و جسدش در گوشه‌ای از شهر کابل دفن خاک شده است.

منابع تصریح می‌کنند که این آموزگار مکتب بدون انجام هیچ جرمی از سوی طالبان کشته شده است. منابع، خواهرزاده مولوی عبدالسلام حنفی، معاون رییس‌الوزرای طالبان که در حال حاضر معاون استخبارات این گروه برای ولایت جوزجان است را متهم به قتل این آموزگار می‌کنند.



**منابع ادعا دارند که خواهرزاده عبدالسلام حنفی، معاون رییس‌الوزرای طالبان که در حال حاضر معاون استخبارات طالبان برای ولایت جوزجان است، در قتل این آموزگار دست دارد. به گفته منابع، قاری انصار مشهور به «خوبی» معاون استخبارات طالبان برای ولایت جوزجان، پس از این‌که موفق به دریافت پول شده، او را به قتل رسانده است.**

احمد (نام مستعار) یکی از بستگان محمدیوسف یعقوبی، در صحبت با روزنامه ۸ صبح روایت تلخ و دردناکی از زندانی و چگونه‌گی کشته شدن این آموزگار مکتب دارد. او می‌گوید که محمدیوسف از ۱۵ سال به این‌سو آموزگار مکتب «ابوذر غفاری» بود. این مکتب در ولسوالی درزاب ولایت جوزجان موقعیت دارد. احمد می‌افزاید: «استاد محمدیوسف در کنار این‌که آموزگار بود، گاهی وقت‌ها صرافی هم می‌کرد و افرادی که از ایران به خانواده‌های‌شان پول می‌فرستادند، استاد آن را روزهای دوشنبه در بازار ولسوالی درزاب توزیع می‌کرد. شش ماه پیش طالبان او را از بازار این ولسوالی بازداشت کردند. در این مدت بارها خانواده‌اش تلاش کرد تا از سرنوشتش باخبر

## کارزار گردآوری لباس برای کودکان خیابانی؛

### ۵۰۰ تن بسته کمک دریافت کردند

۸ صبح، کاپیسا

**دست‌اندرکاران کارزار گردآوری لباس برای کودکان خیابانی می‌گویند که از زمان برگزاری این کارزار تاکنون برای دست‌کم ۵۰۰ کودک خیابانی لباس و دیگر بسته‌های کمک، توزیع کرده‌اند. بسته‌های کمک توزیع شده به کودکان خیابانی شامل چمپر، جاکت، پتلون، کلاه، دستکش، جوراب و بوت است.**

نوجوان و یکی از کودکانی است که در شهر کابل از طریق این کارزار لباس به دست آورده است. او به روزنامه ۸ صبح می‌گوید که پدرش معتاد مواد مخدر است و او ناگزیر شده روی جاده‌ها تکدی‌گری کند. فرزانه، دو برادر دارد و او فرزند بزرگ خانواده است. او یک چمپر و یک جوره بوت به دست آورده است. فرزانه توضیح می‌دهد که وضعیت اقتصادی خانواده‌اش نابه‌سامان است و با وجود سرد شدن هوا، هنوز هم صندلی نگذاشته‌اند و شب‌های سرد کابل را با دشواری سپری می‌کنند. او از افراد خیر و نهادهای امدادسازان می‌خواهد تا دست‌کم در فصل سرما دست نیازمندان را بگیرند.

گفتنی است که با سرد شدن هوا و نزدیک شدن زمستان، شمار زیادی از کودکان در کنار نیاز به لباس، با کمبود شدید مواد غذایی نیز روبه‌رویند. سازمان بین‌المللی حفاظت از کودکان (سیف د چلدرن) در گزارش تازه‌اش از وضعیت بد و عدم دسترسی نزدیک به ۱۰ میلیون کودک افغان به مواد غذایی هشدار داده است. بربنیاد این گزارش، به دلیل بحران اقتصادی، تأثیرات جنگ در اوکراین و خشک‌سالی مداوم همه‌روزه ۹۶ میلیون کودک در افغانستان گرسنه می‌مانند و این کودکان بی‌درنگ نیازمند کمک مواد غذایی در کوتاه‌مدت‌اند.

از سوی دیگر، نهادهای بین‌المللی از زمستان دشوار پیش رو هشدار داده‌اند. الکساندر بودیروزا، رییس صندوق جمعیت سازمان ملل متحد در افغانستان، گفته است که ۷۹ درصد شهروندان این کشور به وسایل گرمایشی دسترسی ندارند. بودیروزا دو هفته پیش در توییتی نوشته است که زنده ماندن در زمستان تلخ چالش اضافه بر چالش‌های روزانه دیگر مردم افغانستان است.

این همه در حالی است که در تازه‌ترین گزارش شاخص جهانی گرسنه‌گی، افغانستان نسبت به سال گذشته از لحاظ دسترسی به غذا شش پله سقوط کرده است. افغانستان امسال از میان ۱۲۱ کشور جهان، در رده ۱۰۹ قرار گرفته است، در حالی که سال گذشته در رده ۱۰۳ قرار داشت. بربنیاد این گزارش، ۲۹.۸ درصد شهروندان افغانستان دچار سوء‌تغذیه‌اند و ۵.۸ درصد کودکان پیش از سن پنج‌ساله‌گی به دلیل گرسنه‌گی جان‌شان را از دست می‌دهند. همچنان ۳۸.۲ درصد کودکان زیر سن پنج سال از کوتاهی قد رنج می‌برند. همه این موارد، به افزایش گرسنه‌گی ربط دارد. در این گزارش ذکر شده که افغانستان دچار خشک‌سالی، بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی و همچنان فقر شدید است. درگیری‌های مسلحانه در اوکراین، یکی از عوامل دخیل در افزایش میزان گرسنه‌گی در افغانستان خوانده شده است.

همزمان با گسترش فقر در کشور، گروهی از جوانان کارزاری را به منظور گردآوری لباس‌های زمستانی برای کودکان خیابانی در کابل و سه ولایت دیگر کشور راه‌اندازی کرده‌اند. اعضای این گروه می‌گویند که این کارزار از حدود یک ماه به این‌سو آغاز شده است. به گفته آنان، در این مدت برای بیش از ۵۰۰ کودک لباس زمستانی و بوت توزیع شده است. این جوانان از همه شهروندان می‌خواهند که دست‌کم در شرایط کنونی در حد توان به نیازمندان کمک کنند.

علی‌عمر و بیست تن از جوانان دیگر کارزاری را زیر عنوان «جمع‌آوری لباس برای کودکان خیابانی» در کابل، کاپیسا، سمنگان و فاریاب راه‌اندازی کرده‌اند. او در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گوید که افزایش فقر در کشور آنان را واداشته است تا چنین کارزاری را راه‌اندازی کنند.

علی‌عمر درباره این کارزار توضیح می‌دهد: «این کارزار را از یک ماه پیش به این‌سو اول از طریق صفحات اجتماعی آغاز کردیم تا این‌که با همکاری شماری از جوانان، آموزگاران و خبرنگاران این کارزار گسترش پیدا کرد و ما توانستیم برای کودکانی که در جاده‌ها کار و یا تکدی‌گری می‌کنند و یا در پرورشگاه‌ها هستند، از طریق راه‌اندازی آن مقداری البسه و دیگر بسته‌های کمک جمع‌آوری و توزیع کنیم. در این کارزار هم‌وطنان ما از داخل و بیرون از کشور نقش پررنگی داشتند.»

دست‌اندرکاران کارزار گردآوری لباس برای کودکان خیابانی می‌گویند که از زمان برگزاری این کارزار تاکنون برای دست‌کم ۵۰۰ کودک خیابانی لباس و دیگر بسته‌های کمک، توزیع کرده‌اند. بسته‌های کمک توزیع شده به کودکان خیابانی شامل چمپر، جاکت، پتلون، کلاه، دستکش، جوراب و بوت است.

علی‌عمر می‌افزاید: «برخی افراد از بیرون کشور پول نقد هم فرستاده بودند که ما آن پول را البسه زمستانی و بوت خریداری کردیم و برای بیش از ۵۰۰ کودک خیابانی توزیع کردیم. ما تلاش داریم تا این کارزار را به‌شکل دوام‌دار ادامه دهیم و گسترش دهیم تا حداقل در شرایط کنونی بتوانیم دست هم‌وطنان نیازمند خود را بگیریم.»

این عضو کارزار گردآوری لباس برای کودکان خیابانی از همه جوانان می‌خواهد تا در برابر جامعه خود مسوولیت‌پذیر باشند. به سخن او، شهروندان در شرایط کنونی باید در حد توان به نیازمندان دست یاری بدهند.

در همین حال، شماری از کودکان خیابانی در کابل از راه‌اندازی این‌گونه کارزارهای بشردوستانه استقبال می‌کنند. فرزانه، دختری



# مسأله مقاومت دوم چیست؟

عبدالکریم فنایی بخش اول



را یکان یکان برمی‌شماریم:

## ۱) احیای قدرت تاجیکان

معمولاً تاریخ را به دوره‌های مختلفی چون: دوران باستان، قرون جدید و دوره معاصر دسته‌بندی می‌کنند. این دسته‌بندی نشان می‌دهد که حرکت زمان همیشه پیوسته نیست، بلکه هرازگاهی دچار گسست می‌شود. اساساً این گسست‌ها است که یک دوره تاریخی را از دوره تاریخی دیگر جدا می‌سازد. هر دوره تاریخی ویژه‌گی‌هایی دارد که آن را از دوره یا دوره‌های ماقبل تفکیک می‌کند. این‌گونه است که نگاه ادواری بر تاریخ غلبه یافته است و امروزه تاریخ هر کشوری، از جمله افغانستان، نیز به دوره‌های مختلفی دسته‌بندی می‌شود. دوره معاصر تاریخ افغانستان از سال ۱۷۴۷ و تأسیس امپراتوری درانی تا زمان حاضر را احتوا می‌کند.

القصة، حضور تاجیکان (البته تاجیک به معنای فرهنگی آن) در افغانستان پیش از دوره معاصر، تا حد زیادی پررنگ توصیف می‌شود. گویی تاجیک‌ها با تاسیس امپراتوری درانی و بعداً تشکیل دولتی به نام افغانستان در اواخر سده نوزدهم، از صحنه تاریخ کنار زده شدند و جز در دو لحظه کوتاه، حضور پررنگ نداشته‌اند. این‌که چه دلایلی موجب شده است تاجیک‌ها اقتدار گذشته‌شان را – که خود محل بحث است – از دست بدهند، بحث مستقلاً می‌طلبد. نکته پراهمیت این است که تاجیک‌ها به رغم حضور کم‌رنگ در میدان‌های سیاست، همواره زعامت فرهنگی جامعه را برعهده داشته‌اند. زبان فارسی از

احمدشاه درانی تا دوره امانی همچنان زبان رسمی دربار بود و اضافه بر آن، به‌عنوان زبان مشترک اقوام و گروه‌های مختلف اجتماعی افغانستان شناخته می‌شد. در ربع اول سده بیستم – که اوج تفکر ناسیونالیستی بود – اندیشه ناسیونالیستی – توسط محمود طرزی – وارد افغانستان شد و سپس به‌عنوان بخشی از استراتژی دولتی قرار گرفت. ناسیونالیسم در افغانستان – به تبع ترکیه – یکی از مولفه‌های هویت ملی را بر «افغان بودن» نهاد. این مولفه بعداً توسط دستگاه دولتی به‌سرعت تکثیر شد و هزینه‌های هنگفتی به توسعه زبان پشتو اختصاص یافت. افزون بر این، رویه کابلی به افغانی تغییر نام یافت و «پشتو تولنه» به هدف تقویت و توسعه زبان پشتو ایجاد شد. روی‌هم‌رفته، تاجیکان که قبلاً زعامت سیاسی را از دست داده بودند، زعامت فرهنگی‌شان نیز در معرض هژمون و خطر قرار گرفت. در این‌جا بود که تاجیک‌ها از یک گروه اجتماعی رابط میان اقوام و گروه‌های اجتماعی دیگر، تبدیل شدند به گروهی معترض و طرف‌منزاعه. با شکست دولت امانی و تصاحب قدرت توسط امیر حبیب‌الله کلکانی، تاجیک‌ها به‌عنوان تنها گروه اجتماعی مدعی قدرت ظهور کردند. این حیثیت جدید تاریخی بالطبع هژمون قومی نخبه‌گان پشتون را به چالش می‌کشید و از این‌جا بود که لشکری فراوان به رهبری نادرشاه با سازوبرگ وافر و حمایت‌های خارجی گرد هم آمد و سرانجام به دولت مستعجل کلکانی پایان داد. خدعه‌بازی نادرخان در برابر حبیب‌الله کلکانی و سیاست زمین‌سوخته نیروهای تحت فرمان او در

شمالی، زخمی شد که تا هنوز که هنوز است التیام نیافته و در ناخودآگاه تاریخی ما دهان باز کرده است. از آن پس، مرحله تاریخی تازه‌ای گشوده شد (دوره مصاحبین) که بعداً بساط آن با کودتای هفت ثور ۱۲۵۷ خورشیدی برچیده شد.

اشغال افغانستان توسط قشون سرخ شوروی موجب شد که گروه‌های اجتماعی غیرپشتون دوباره وارد مناسبات سیاسی و نظامی شوند و نتیجه آن در سال ۱۹۹۱ ترسایی به‌شکل دولت اسلامی به رهبری استاد ربانی آشکار شد. جنگ‌های تحمیلی داخلی آزمونی بود که با آن جایگاه گروه‌های اجتماعی، قومی و سیاسی محک زده می‌شد. شماری از تاجیک‌ها به این دوره دشوار تاریخی به‌عنوان مرحله‌ای درخشان از تاریخ سیاسی، نظامی و اجتماعی خویش می‌نگرند؛ تاریخی که مقاومت اول تداوم آن بود و سرانجام به حضور قابل توجه نیروهای مقاومت در شکل‌گیری جمهوری اسلامی در دهه ۸۰ و ۹۰ خورشیدی منتهی شد. از این‌جا بود که سقوط نظام جمهوری در کشور برای گروه‌های اجتماعی و اقوام غیرپشتون بسیار سنگین تمام شد؛ زیرا با آن سازوکارهای دموکراتیک و ارزش‌هایی مانند: انتخابات، مشارکت سیاسی، ایجاد فرصت‌های برابر و غیره رخت بریست و در نتیجه آن، عقب‌گشتی رخ داد به نوع حاکمیت پشتون‌محور عبدالرحمانی که در آن برادر بزرگ در جایگاه پدر تکیه زده و به‌نحو دل‌بخواهی، غیرعادلانه و نامتناسبی به انحصار گسترده و تقسیم محدود قدرت سیاسی دست می‌زند.

روی این بیان، طرح احیای قدرت تاجیکان بر این بنیاد استوار است که مسأله مقاومت بایستی احیای قدرت از دست‌رفته تاجیکان باشد. تاجیک‌ها بایستی به‌عنوان طرف اصلی امارت پشتون‌محور طالبانی، امارت طالبان را در میدان‌های نظامی درهم شکسته و یا به بن‌بست بکشانند تا زمینه ورود دوباره آن‌ها از حاشیه به مرکز قدرت فراهم شود. صورت‌های رادیکال این نگرش معتقد است که در برابر طالبان بایستی از سیاست خود آن‌ها بهره برد و به انتقام‌گیری و کارشویه حذف متوسل شد. این ایده از جهات مختلفی نادرست است. به این منظور، به دلایل زیر می‌توان توجه کرد:

اولاً این‌که طرح احیای قدرت تاجیکان نوعی تفکر فاشیستی است که در آن اقوام دیگر، به‌ویژه اوزبیک‌ها، هزاره‌ها و سایر گروه‌های اجتماعی خرد و بزرگ در مناسبات سیاسی نادیده گرفته می‌شوند. برای درک پیامدهای چنین تفکری، کافی است باری به پیامدهای فاجعه‌بار نازیسم، قوم‌گرایی عربی، قوم‌گرایی سوری، نهضت ترکان جوان و غیره در جهان اول و سوم نظر اندازیم. آنگاه به‌درستی خواهیم دید که تجربه کشورهای دیگر از چنین نگرشی چگونه بوده است و پیامدهای آن به کجا انجامیده است.

دوم، احیای قدرت تاجیکان، تاجیک‌ها را به‌عنوان گروهی فرض می‌گیرد که حد و مرز تیوریک آن کاملاً روشن است. بعضاً تاجیک در قالب کوچک‌تری به نام قوم تعریف می‌شود که به یک معنا، فروکاستن دایره شمول خود است در برابر گروهی که می‌کوشد دامنه تعریف خویش

را به‌شکل روزافزون توسعه بخشد. اگر معنای قوم را بر «DNA» مشترک بگذاریم و آن را به مفهومی کاملاً زیست‌شناختی به کار ببریم، باز هم در مورد تاجیکان قابل صدق نیست؛ زیرا تحولات تاریخی، مهاجرت‌ها، آمدن یونانیان، فتح اعراب، تهاجم چنگیز و غیره جایی برای توجیه مفهوم بیولوژیک قوم نمی‌گذارد. شجره‌شناسی تاجیکان ریشه‌های مختلفی دارد که با آن، اثبات این‌که همه تاجیک‌ها به یک پدر مشترک وصل می‌شوند را ممتنع می‌سازد. اگر قومیت را به معنای فرهنگی در نظر بگیریم، بازهم اطلاق آن در مورد تاجیکان – شاید به دلیل تفاوت‌های فرهنگی گسترده – کار ساده‌ای نیست. بدین‌سان، زبان فارسی نیز نمی‌تواند مقوم هویت تاجیکان باشد؛ زیرا گویش‌وران این زبان عملاً از محدوده گروه اجتماعی خاصی که امروزه تاجیک نامیده می‌شود، فراتر رفته است. شما شاید بتوانید پشتون‌ها را هم به دلیل وحدت زبانی و هم از نظر شجره‌شناسی و وحدت فرهنگی فراگیر، «قوم» تلقی کنید؛ اما کاربست قوم در مورد تاجیکان امری مخاطره‌آمیز و ناسنجیده است. داعیه‌داران احیای قدرت تاجیکان با گره‌های نظری زیادی از این‌دست مواجه‌اند که تا هنوز پاسخ نیافته است.

نکته سوم این‌که احیای قدرت تاجیکان داعیه‌ای تعصب‌آمیز است و از این رو، در برابر آموزه‌های فراگیر اسلام قرار می‌گیرد. اسلام اصولاً به برابری انسان‌ها تصریح دارد و در آن انتساب‌های قومی و اجتماعی نه مایه برتری و امتیاز است و نه هم موجب خفت و فرودستی. اسلام عصیت قومی و گروهی را درهم می‌کوبد و این نکته به‌آسانی می‌تواند به‌عنوان ابزار سرکوب قدرت حاکم در برابر مدعیان احیای قدرت تاجیکان درآید. برای درک این موضوع، کافی است باری به سرنوشت رقت‌بار محمدطاهر بدخشی، بحرالدین باعث و سایر پیشگامان نهضت ستم ملی بیندیشیم و عبرت بگیریم.

نکته چهارم، ایده احیای قدرت تاجیکان به داعیه‌ای فرا می‌خواند که خود در برابر آن قدعلم کرده است. اگر احیای قدرت تاجیکان «مطلوب» است، چرا تلاش طالبان در جهت بازگشت پشتون‌ها در محور قدرت نامطلوب باشد؟ تردیدی نیست که شماری از پژوهشگران پشتون‌گرا که به تحولات دست‌کم یک سده پسین افغانستان اشراف دارند، آن‌چه را که تاجیکان دوره درخشان حضور سیاسی خویش توصیف می‌کنند، آن‌ها به‌عنوان «زوال قدرت پشتون‌ها» و تحشی‌شان از مرکز قدرت می‌نگرند. حالا اگر احیای قدرت تاجیکان داعیه‌ای برحق است، آیا نمی‌توان بر پایه آن رفتار سیاسی و ساختار پشتون‌محور و ایدیولوژیک طالبان را نیز برحق دانست؟ شما نمی‌توانید در قبال قضایا یا دو معیار متفاوت داوری کنید. برخورد دوگانه با قضایا، از عهده ایرادهایی که ممکن است از این ناحیه ظهور کند، برنمی‌آید و تبعاتی دارد که در این‌جا نمی‌توان سنجید.

نکته پنجم و نهایی این‌که، طرح احیای قدرت تاجیکان بیش از آن‌که راه‌حلی باشد به گره درهم‌پیچیده سیاسی افغانستان، خود بخشی از معضل سیاسی کشور است. قومی کردن و انحصاری کردن داعیه قدرت، به معنای نهادینه کردن بحرانی است که هم‌اکنون با آن درگیریم.

## ۲) سکولاریسم (جدایی دین از سیاست)

برخی از گروه‌های اندک اما پرطمطراق دیگر مدعی‌اند که بایستی سکولاریسم مسأله مقاومت باشد. اینان که ظاهراً از ماهیت خشونت‌آمیز و بی‌فراجم حرکت‌های جهادی و دینی سرخورده شده‌اند، تفکیک میان اسلام و سیاست را حلال گره فروبرسته معضل افغانستان می‌پندارند. این طیف سیاسی شدن اسلام را (ورود اسلام به عرصه‌های سیاسی) طی کمابیش یک سده اخیر، عامل اصلی جنگ و ناهنجاری کشور تعریف می‌کنند. در این نگاه، اگر چنان‌که خط اسلام را از سیاست جدا سازیم، روند توسعه آغاز خواهد شد و مانعی که از رهگذر دخالت اسلام در عرصه‌های سیاسی پیش آمده است، از میان برداشته می‌شود. این طرح از جهات بسیاری قابل ملاحظه است:

# مسأله مقاومت دوم چیست؟

**طرح سکولاریسم به عنوان مسأله مقاومت، مقاومت را از تسلسل تاریخی آن خارج می‌سازد؛ زیرا این داعیه هیچ نوع سختی با داعیه مقاومت اول ندارد. سکولاریسم نه مدعی امر صاحب احمدشاه مسعود بود و نه هم ایده مطلوب استاد برهان‌الدین ربانی.**



اولاً، این که مدعیان سکولاریسم در افغانستان عمدتاً در غیاب فهم و آگاهی لازم از این مقوله به سر می‌برند. هنوز روشن نیست تفکیک میان اسلام و سیاست، چگونه تفکیکی است. آیا این تفکیک، ماهیت جامعه‌شناسانه دارد و به معنای تفکیک نهادهای دینی از نهادهای سیاسی است و یا این که تفکیک مزبور، تفکیک میان دو قلمرو دین و علم است؟ تا کنون شاید متنی جدی در باب توجیه سکولاریسم در افغانستان تولید نشده است (و یا این که من با آن برخورد کرده‌ام) و درک این نکته نشان می‌دهد که داعیه سکولاریسم در این کشور شاید به پیمانۀ داعیه عدالت سوسیالیستی میان‌تهی و بی‌عقبه است.

دوم، طرح سکولاریسم به عنوان مسأله مقاومت، مقاومت را از تسلسل تاریخی آن خارج می‌سازد؛ زیرا این داعیه هیچ نوع سختی با داعیه مقاومت اول ندارد. سکولاریسم نه مدعی امر صاحب احمدشاه مسعود بود و نه هم ایده مطلوب استاد برهان‌الدین ربانی. از جهت دیگر، جهاد در برابر شوری که بالمآل به حضور پررنگ گروه‌های اجتماعی غیرپشتون در صحنه سیاسی منجر شد، ماهیت دینی داشت تا سکولار (غیردینی). از این رو، آن‌هایی که سکولاریسم را به عنوان مسأله مقاومت دوم پیشنهاد می‌کنند، عمداً رشته اتصال خویش را با تاریخ مبارزات چند دهه اخیر فرومی‌گسلند.

سوم، داعیه سکولاریسم خواست توده‌ها و یا باورهای دینی عامه را دست‌کم می‌گیرد. شما نمی‌توانید در کشوری که باور عمومی مردم بر تعامل دین و سیاست است، یک‌شبه علم سکولاریسم برافرازید و آن را به عنوان استراتژی اصلی مقاومت دوم تعریف کنید. طرح سکولاریسم به عنوان مسأله مقاومت دوم، مقاومت را از پایگاه‌های اجتماعی آن خلع می‌کند و اعتماد عمومی را به این جریان شدیداً صدمه می‌رساند. حکومت دینی در جامعه‌ای که دین تا لایه‌های زیرین مناسبات اجتماعی آن رخنه کرده است، غیردموکراتیک است. شاید از این‌جا است که اجرای سکولاریسم در شماری از کشورهای اسلامی مانند ترکیه زمان اتاترک، توأم بوده است با ابزار سرکوب و خشونت. اتاترک راهی جز این که به سرکوب و خشونت متوسل شود، نداشت؛ زیرا اجزایی کردن برنامه سکولار در کشوری که بستر اجتماعی آن دینی است، حرکتی غیرطبیعی است و از این رو، برای انجام آن باید به فصل تازه‌ای از خشونت‌ها دست زد. افزون بر این، سکولاریسم به دلیل عدم مقبولیت اجتماعی، ظرفیت بسیج‌سازی مردم در برابر امارت طالبان را ندارد. چنین طرحی، به معنای خلع سلاح خود است در برابر گروهی که با تمام توش‌وتوان از ظرفیت ایدیولوژیک دین در جهت سرکوب مخالفان و توسعه حاکمیت خود بهره می‌برد. روی این بیان، سکولاریسم‌خواهی حرکتی مخاطره‌آمیز است و این که شما پیوسته از آن احتراز کرده‌اید، عملی ستودنی و دوراندیشانه است.

چهارم، سکولاریسم‌خواهی به آسانی می‌تواند راه را بر تکفیر نیروهای مقاومت باز کند. کما این که طالبان با ساختار فکری عقابانده و راکد و نیز تأثر از رویکردهای سلفی و دیوبندی کاملاً مستعد آن‌اند که سکولارها را یک‌سره با چوب تکفیر برانند و از صحنه بدر کنند. گفته می‌شود تکفیر برای بار اول با عبدالرحمان خان وارد مناسبات سیاسی شد. وی به خوبی توانست از تکفیر به عنوان ابزار ایدیولوژیک

سرکوب هزاره‌ها بهره ببرد. سکولاریسم‌خواهی در وضعیتی که مقاومت دوم هنوز در ضعف به سر می‌برد، دادن کارد به دست مدعی است. اگر مسأله مقاومت جدایی دین از سیاست باشد، طالبان به عنوان کاپی نظام عبدالرحمان خان، به‌ساده‌گی می‌توانند مقاومت‌گران را باغی نه، بلکه کافر بخوانند. این که تبعات تکفیر و به‌ویژه تکفیرهای سیاسی چیست و به چه فجایعی ممکن است بینجامد، از حدس مدعیان خارج‌نشین سکولاریسم بیرون است.

پنجم، سکولاریسم به عنوان مسأله مقاومت، حرکتی رادیکال است و درست در جهت مخالف جریان طالبان قرار می‌گیرد. طالبان یک‌سره در صدد تعمیم دین بر همه سطوح حیات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و حتا فرهنگی جامعه‌اند. در حالی که سکولاریسم - البته در هیأت ستیزه‌جویانه آن - درست در نقطه مخالف آن مشی می‌کند. طرح سکولاریسم به عنوان مسأله مقاومت، به معنای دفع افراط با تفریط است و این خود می‌تواند به میزان افراطیت، خطرناک و ویرانگر باشد. این که چگونه می‌توان در خطی میانه حرکت کرد و طرحی ارایه داد که در آن نه دین مانع توسعه شود و نه هم توسعه ملازم کنار زدن دین تلقی گردد، موضوعی مستقل است که در این‌جا مجال پرداختن به آن نیست.



ششم، سکولاریسم‌خواهی فراموش می‌کند که بخش بزرگی از ناکامی‌های تاریخی ما بیش از آن که حاصل جمع میان دین و سیاست باشد، محصول فقدان عقلانیت سیاسی و سودای سربالای سیاست‌گزاران است. شما همین فرصت بیست‌ساله اخیر را در نظر بگیرید. آیا می‌توان اختلاس، فساد فزاینده، تعصب قومی و مذهبی، انحصار قدرت، منقعت‌طلبی شخصی و صدها عامل دیگری را که سرانجام به سقوط نظام جمهوری انجامید، نتیجه دخالت دین در عرصه‌های سیاسی توصیف کرد؟ انصافاً دین نقش چندانی در سیاست‌گذاری‌های دولت جمهوری طی دو دهه اخیر نداشت. نه مناسبات منطقه‌ای ما براساس نگرش دینی استوار بود و نه هم حضور نیروهای خارجی و انعقاد پیمان امنیتی با امریکا بر بنیاد اولویت دینی صورت می‌گرفت. با وجود این، سازوکارهای دموکراتیک رفته‌رفته به لجن کشیده شد و برعکس آن چه انتظار می‌رفت، فرصت‌ها به چالش تبدیل گردید. هیچ‌یک از این عوامل از اسلام ناشی نشده بود، بلکه درست در نقطه مقابل این دین حنیف قرار داشت. انصافاً در کشوری که سواد عمومی در نازل‌ترین سطح آن قرار دارد و اضافه بر آن، اصول اخلاقی آن به شدت فروریخته باشد، نه دین راهی

است برای برون‌شدن از بحران و نه هم سکولاریسم می‌تواند به نتیجه مطلوب بینجامد. از این‌جا است که به باور نویسنده، هر طرحی برای اصلاح سیاسی که در آن اصلاح فکری و فرهنگی در دستور کار قرار نگیرد، شبیه پاشیدن بذر در کویر است و به ثمر نخواهد نشست.

## ۳) تجزیه‌خواهی

شماری بدین باورند که مسأله مقاومت باید تجزیه افغانستان باشد. در این نگاه، تجزیه افغانستان راه‌حلی است که برای یک بار و همیشه به سلطه قومی نخبه‌گان پشتون خاتمه دهد. گره معضل قدرت در افغانستان را بایستی با ناخن تجزیه‌گشود و کشوری جدید با هویت، زبان، جغرافیا و جمعیت جدید پدید آورد. تجزیه‌خواهی از این نظر، داعیه‌ای است که در برابر هژمون نخبه‌گان پشتون مطرح می‌شود. کما این که نخبه‌گان پشتون بیش از آن که به تقسیم عادلانه قدرت و مشارکت سیاسی اقوام و گروه‌های اجتماعی دیگر علاقه‌مند باشند، به دنبال اعاده سلطه خویش بر اقوام و گروه‌های اجتماعی غیرپشتون‌اند. افزون بر این، تفاوت فرهنگی پشتون‌ها و سایر اقوام افغانستان چندان است که زیست مسالمت‌آمیز آن‌ها را در جغرافیای واحد و زیر یک سقف ممتنع می‌سازد. هژمون‌طلبی نخبه‌گان پشتون همواره به پشتونیزه شدن نهاد قدرت انجامیده است و در چنین شرایطی اقوام غیرپشتون بیش از دو گزینه در پیش ندارند: یا باید در برابر آن بایستند که آن هم بدون توسل به جنگ و خشونت و قربانی دادن ممکن نیست و یا هم تسلیم شوند و سپر بیندازند و به سیاست حذف و یا سیاست کثرت‌گرایی نابرابر پشتون‌محور تن در دهند. از آن‌جایی که مناسبات قدرت در افغانستان پس از اشغال شوروی تغییر کرده است، گروه‌های اجتماعی و قومی دیگر حاضر به انقیاد بی‌چرا و ناعادلانه در برابر نخبه‌گان پشتون نیستند. همین نکته به تداوم جنگ در افغانستان انجامیده است. با این تحلیل، راه حل این است که راه خویش را از پشتون‌ها جدا سازیم و جغرافیای سیاسی مستقلی شکل دهیم که در آن هم هویت قومی و فرهنگی ما حفظ شود و هم به ختم جنگ و زیست مسالمت‌آمیز اجتماعی نایل آییم.

طرح تجزیه‌طلبی مانند طرح‌های پیش‌گفته معروض ملاحظاتی است از این قرار:

اول، تجزیه‌طلبی برخوردی فعالانه با هژمون قومی طالبان نیست، بلکه عملی است که از سر انفعال و واکنش انجام می‌شود.

\*\*\*

ز انفعال سرشتند نقش ما بیدل

تری برون رود از طبع آب دشوار است

\*\*\*

شاید شما هیچ جریان یا شخصیتی را در میان پشتون‌ها سراغ نداشته باشید که به دنبال تجزیه افغانستان به شمال و جنوب باشد. این واقعیت حاوی یک نکته پنهان است و آن این که پشتون‌ها خودشان را مالک کل افغانستان می‌دانند و بنابراین حاضر نیستند زمینی را که ملکیت خود می‌پندارند، به دو قسمت کنند و سپس اختیار بخشی از آن را به دیگری واگذارند. بنابراین، نخبه‌گان پشتون با مخالفت در برابر تجزیه‌طلبی عملاً از موضعی مالکانه سخن می‌زنند و در برابر، شماری از وطن‌داران ما در عملی واکنشی شعار تجزیه‌خواهی علم کرده‌اند

و به شکل ناشیانه‌ای فکر می‌کنند این موضع‌گیری از سر اطمینان به نفس و اقتدار است. طالبان ظاهراً ادعای مالکیت بر کل جغرافیای افغانستان را در سر دارند، در حالی که تجزیه‌طلبی نیز نوعی ادعای مالکیت است، اما صرفاً بر بخشی از این جغرافیای سیاسی و بنابراین، ادعایی است از سر ضعف تا قدرت.

نکته دوم در این باب، اعتنا به واقعیت فکری و اجتماعی افغانستان است. سوال اساسی این است که آیا داعیه تجزیه‌طلبی مورد تأیید جامعه، به‌ویژه نخبه‌گان سیاسی کشور است؟ اخیراً مصاحبه‌ای که تقریباً با چهل تن از نخبه‌گان سیاسی انجام شده بود، نشان می‌داد که تجزیه‌طلبی هیچ‌گونه طرفداری در میان جامعه سیاسی افغانستان ندارد. دست زدن به کاری که هنوز نخبه‌گان جامعه به آن به چشم خیانت و یا خطای فاحش سیاسی می‌نگرند، مخاطره‌آمیز و ناسنجیده است. انصافاً داعیه تجزیه‌خواهی مثل بسیاری از شعارهای دیگر سیاسی در این کشور، در غیبت آگاهی و تحقیق سر داده می‌شود و از این رو، فاقد پشتوانه فکری و علمی است.

سومین نکته به شرایط پس از تجزیه برمی‌گردد. فرض بر این که تجزیه ممکن نه، بلکه عملاً واقع شود، آنگاه سوال این است که هویت، زبان و ملت قلمرو سیاسی جدید را چه چیزهایی شکل خواهد داد؟ واقعیت این است که شمال افغانستان محیطی است سرشار از تنوع قومی، مذهبی، حزبی و غیره. حضور اوزبیک‌ها در شمال کشور بسیار پررنگ است و در قدم دوم هزاره‌ها، ایماق‌ها، عرب‌ها و... جای می‌گیرند. حالا فرض کنیم شمال را واحد سیاسی مستقل اعلام کردید، آنگاه چگونه می‌توان به رغم کثرت، به وحدت رسید و الگوها و سمبول‌های مشترکی تشکیل داد؟ آیا گروه‌های اجتماعی دیگر حاضرند فی‌المثل زبان فارسی را به عنوان زبان رسمی آن جغرافیا به رسمیت بشناسند؟ آیا پشتون‌نویسم جایش را به نوعی تاجیک‌محوری یا اوزبیک‌محوری نخواهد داد؟ افزون بر این‌ها، مناطق مرکزی افغانستان که عمدتاً هزاره‌نشین‌اند، بخش دیگری از واقعیت قومی، نژادی و مذهبی این سرزمین است. پرسش این است که آیا نخبه‌گان سیاسی اقوام و گروه‌های مختلف اجتماعی با راهکار تجزیه موافق‌اند و یا آن را به سود خویش می‌دانند؟ این‌ها سوالات نه، بلکه معضلاتی است که هنوز مورد تأمل قرار نگرفته و به حتم در مرحله پساتجزیه - البته بر فرض وقوع - بروز خواهد کرد.

چهارم، تجزیه کشور و ایجاد یک واحد سیاسی مستقل کاری خودمحورانه نیست. به معنای دیگر، چنین نیست که هرگاه گروه یا کتله‌ای از مردم بخواهند کشوری مستقل تشکیل دهند، این کار به آسانی تحقق می‌یابد. سال‌ها است حرکت‌های استقلال‌طلبانه در گوشه و کنار جهان، به‌ویژه خاورمیانه به راه افتاده، اما به‌ندرت نتیجه‌بخش بوده است. گروه‌های تجزیه‌طلب حتا اگر جغرافیایی را تصرف کرده و تحت قیمومیت خویش درآورده‌اند، از جانب ملل متحد به رسمیت شناخته نشده‌اند.

همین لحظه استقلال‌طلبان بلوچ برای دست‌یابی به یک کشور مستقل مبارزه دارند و کردستان به رغم در اختیار داشتن جغرافیا، نفوس و حاکمیت، هنوز به عنوان کشوری مستقل مشروعیت نیافته است. از قضا، حرکت‌های استقلال‌طلبانه غیرملی، حاکمیت ملی بسیاری از کشورهای منطقه را به مخاطره می‌افکند و از این رو، روان جمعی منطقی در برابر آن حساس است. روی این بیان، تجزیه‌طلبی در افغانستان از جانب اکثریت قاطع کشورهای منطقه‌ای پشتی‌بانی نمی‌شود و نه هم ملل متحد و قدرت‌های بزرگ جهانی از آن حمایت خواهند کرد. اضافه بر این، عدم مقبولیت داخلی این طرح مزید بر علت خواهد شد و عدم امکان و مخاطرات آن را چندبرابر خواهد ساخت.

دبیر بخش ویدیو: نصیر کاوشگر  
خبرنگاران: محمدحسین نیک‌خواه، محمد فرهنگ  
ویراستاران: محمدعلی نظری، اسحق‌علی احساس  
صفحه آرایی: رضا مرادی  
پذیرش مقالات: Info@8am.media  
پذیرش اعلان: Shaparsepehr@gmail.com ۰۷۸۸۸۸۷۹۹ - ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰  
نشانی پستی: صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته‌خانه مرکزی، کابل، افغانستان  
۸ صبح نوشته‌ها را ویرایش می‌کند. سرمقاله بازتاب‌دهنده‌ی دیدگاه ۸ صبح است.  
سایر دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقاله‌ها، به نویسندگان آن برمی‌گردد.

صاحب امتیاز: سنجر سهیل  
مدیرمسئول: محمد محق  
سردبیر: حسین بهش  
تحلیل‌گران: یونس نگاه و امین کاوه  
دبیر گزارش‌ها: حسین حیدری  
دبیر بخش خبر: علی‌شاه حقمیل

**Publisher:**  
Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media

**Editor-in-Chief:**  
Mohammad Moheq  
Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.af  
Youtube.com/Hashtesubhdaily  
Twitter.com/@Hashtesubhdaily  
instagram.com/8am.af\_official  
www.8am.af

قوه قضایی ایران چهار شهروند این کشور را به اتهام آنچه که «جاسوسی برای اسرائیل» عنوان شده، اعدام کرده است. رسانه‌های ایرانی یکشنبه، ۴ دسامبر، از اعدام این چهار نفر براساس حکم قوه قضایی ایران خبر داده‌اند. از افراد اعدام شده با اسم‌های حسین اردوخانزاده، شاهین ایمانی محمودآباد، میلاد اشرفی آبتاتان و منوچهر شهیندی بجنیدی یاد شده است. گزارش شده که این شبکه زیر نظر اسرائیل به سرقت، تخریب اموال شخصی و عمومی و آدم‌ربایی دست می‌زده است. گفته شده است که این افراد با فردی به نام سیروس، افسر اطلاعاتی موساد، ارتباط داشته‌اند. ایران همواره اسرائیل را به جاسوسی و خرابکاری در قلمروش متهم کرده است.

## بلیکن: امریکا از حق مردم چین و ایران برای اعتراض پشتیبانی می‌کند

آنتونی بلینکن، وزیر خارجه امریکا، گفته است که دولت بایدن از حق مردم چین و ایران برای اعتراض پشتیبانی می‌کند. بلینکن روز یکشنبه، ۴ دسامبر، در گفت‌وگو با شبکه «سی‌ان‌ان»، گفته است که امریکا از حق آزادی بیان انسان‌ها در همه جا، چه در چین و چه در ایران، حمایت می‌کند. بلینکن افزوده است که در دیدار ماه آینده‌اش با مقام‌های چین، موضوع حق اعتراضات مردم را مطرح خواهد کرد.



او همچنان افزوده است: «حرفی را که به آن‌ها خواهیم زد این است که حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین مدنی موضوع محوری ما است و هیچ رییس‌جمهور امریکا در این مورد ساکت نخواهد ماند.» گفتنی است که اعتراضات در ایران چندین هفته می‌شود که پس از مرگ مهسا امینی ادامه دارد و اعتراضات در چین به دلیل اعمال قرنطینه از سوی دولت این کشور چند روز پیش آغاز شد.

## امریکا کشتی حامل مهمات ارسالی ایران به یمن را توقیف کرد

ماه در این مسیر دریایی کشف شده است. در این بیانیه آمده است: «توقیف این کشتی آشکارا تداوم انتقال غیرقانونی محموله‌های مرگبار و رفتار بی‌ثبات‌کننده ایران را نشان می‌دهد.» نیروی دریایی امریکا تأکید کرده که انتقال مستقیم یا

امریکا یک کشتی ماهی‌گیری را در خلیج عمان که از ایران به یمن در حرکت بود، توقیف کرده که حامل بیش از ۵۰ تن مهمات جنگی و سوخت موشک بوده است. رسانه‌های بین‌المللی ناوقت روز شنبه، ۳ دسامبر، گزارش داده‌اند که نیروی دریایی امریکا یک کشتی ماهی‌گیری را در خلیج عمان که از ایران به یمن در حرکت بود، توقیف کرده‌اند که حامل بیش از ۵۰ تن مهمات جنگی و سوخت موشک بوده است. نیروی دریایی امریکا در بیانیه خود تصریح کرده که این دومین محموله غیرقانونی سلاح است که در طول یک



## فوران آتش فشان در جزیره جاوه اندونیزیا؛ نزدیک به دو هزار تن خانه‌هایشان را ترک کرده‌اند

در این کشور فوران کرده و ابری از خاکستر را تا ۱۵ کیلومتری به آسمان پرتاب کرده است. براساس گزارش رویترز، روز یکشنبه، ۴ دسامبر، آتش‌فشانی در شرق جزیره جاوه اندونیزیا فوران کرده و نزدیک به دو هزار تن را مجبور به ترک خانه‌هایشان کرده است. رویترز گفته است که گزارش دقیقی در مورد تلفات ناشی از فوران آتش‌فشان «سِمرو» هنوز اختیار در رسانه‌ها قرار

مقامات اندونیزیایی اعلام کرده‌اند که یک آتش‌فشان



## دور حذفی جام جهانی؛

### انگلستان در یک چهارم نهایی حریف فرانسه شد

تیم ملی فوتبال انگلستان پس از پیروزی در برابر تیم ملی سنگال، حریف تیم ملی فوتبال فرانسه در یک‌چهارم نهایی جام جهانی ۲۰۲۲ قطر شد. دیدار این دو تیم که یک‌شنبه‌شب، ۴ دسامبر، در ورزشگاه البیت برگزار شد، با نتیجه ۳ بر صفر به نفع سه‌شیرها پایان یافت.

در نیمه نخست این دیدار بازیکنان انگلستان دو بار دروازه سنگال را باز کردند. در این نیمه جوردن هندرسون و هری کین برای تیم سه‌شیرها گول‌زنی کردند. در نیمه مربیان، شاگردان گرت ساونگیت بالای دروازه سنگال فشار آوردند و بوکایو ساکا در دقیقه ۵۷ برای بار سوم دروازه این تیم را باز کرد. با این پیروزی تیم ملی فوتبال انگلستان در یک‌چهارم نهایی جام جهانی ۲۰۲۲ قطر، در برابر تیم ملی فوتبال فرانسه بازی خواهد کرد. در دیدارهای روبه‌رو این دو تیم، سه‌شیرها نسبت به خروس‌ها عمل کرد خوبی داشته‌اند. این دو تیم از سال ۱۹۲۳ تا کنون ۳۱ بار در برابر هم بازی کرده‌اند که دو بازی آن‌ها در جام جهانی بوده است.

سه‌م پیروزی تیم ملی فوتبال انگلستان در بازی‌ها روبه‌رو ۱۷ بار و سه‌م پیروزی فرانسه ۹ بار بوده است. پنج بار هم دیدارهای این دو تیم با نتیجه مساوی پایان یافته است.

در ادامه رقابت‌های جام جهانی ۲۰۲۲ قطر، امشب (دوشنبه، ۵ دسامبر) دو دیدار دیگر نیز برگزار می‌شود که برزیل در برابر کوریا جنوبی و جاپان در برابر کرواسیا بازی خواهد کرد.

## خروس‌ها یاران لواندوفسکی را از جام جهانی حذف کردند

در دومین شب از آغاز مرحله حذفی جام جهانی ۲۰۲۲ قطر، تیم ملی فوتبال فرانسه تیم فوتبال پولند را حذف کرد.

این دیدار که یک‌شنبه‌شب، ۴ دسامبر، در ورزشگاه ۴۵ هزار نفری ال‌ثومه برگزار شده بود، با نتیجه ۳ بر ۱ به نفع فرانسه پایان یافت.

نیمه نخست بازی این دیدار تا دقیقه ۴۳ بدون گول دنبال شد، اما در دقیقه ۴۴ اولیویه ژبرو روی پاس کیلیان امباپه قفل دروازه پولند را شکست تا بازی یک بر صفر به نفع خروس‌ها شود.

در نیمه دوم بازی، کیلیان امباپه در دقیقه ۷۴ و ۹۰ دو بار دروازه وویچ سزنی را باز کرد تا نتیجه بازی ۳ بر صفر شود.

در دقایق پایانی بازی، داور میدان برای پولند یک پنالتی گرفت که روبرت لواندوفسکی آن را به گول تبدیل کرد.

## روسیه نفت را مطابق با قیمت محدود شده توسط غرب صادر نخواهد کرد

الکساندر نواک، معاون نخست‌وزیر روسیه گفته است که روسیه، دومین صادرکننده بزرگ نفت جهان، حتی اگر مجبور به کاهش تولید شود، نفت را با قیمت محدود شده توسط غرب نخواهد فروخت.

براساس گزارش رویترز، الکساندر نواک روز یکشنبه، ۴ دسامبر، گفته است که اقدام غرب به منظور تعیین سقف برای نفت صادراتی روسیه یک مداخله آشکار بوده و با قوانین تجارت آزاد در تناقض است

معاون نخست‌وزیر روسیه افزوده است که کاهش عرضه نفت، بازارهای جهانی انرژی را بی‌ثبات می‌کند.

نواک همچنان افزوده است: «ما در حال کار بر روی مکانیسم‌هایی هستیم تا استفاده از ابزار تعیین سقف قیمت برای نفت را منع قرار دهد؛ زیرا چنین دست‌کاری سبب بی‌ثباتی بیشتر بازار می‌شود.»

او همچنان خاطر نشان کرده است که روسیه نفت و فرآورده‌های نفتی را فقط به کشورهایی می‌فروشد که مطابق با شرایط بازار با این کشور معامله کند.

این در حالی است که گروه هفت و استرالیا روز جمعه، ۲ دسامبر، ۶۰ دالر را برای نفت خام روسیه سقف قیمت تعیین کردند.



## آلمان از ۱.۲ میلیون مهاجر در سال جاری میزبانی می‌کند



آلمان در جریان سال جاری حدود ۱.۲ میلیون پناهنده را پناه داده است. روزنامه ولت‌آم‌سونتاگ، روز یکشنبه، ۴ دسامبر، اعلام کرده است که آلمان امسال در مجموع ۱.۲ میلیون پناهنده را میزبانی کرده است. به گفته این نشریه، بیش از یک میلیون تن تنها از اوکراین وارد آلمان شده‌اند. علاوه بر این، تا پایان ماه اکتبر، ۱۸۱ هزار و ۶۱۲ درخواست پناهنده‌گی از اتباع کشورهای سوریه، افغانستان، ترکیه، عراق و سایر کشورها دریافت شده است. براساس این گزارش، مقامات آلمانی انتظار دارند که تعداد درخواست‌ها تا پایان سال از رقم اعلام شده بیشتر شود.

این نشریه تأکید کرده است که نگرانی فزاینده‌ای در ایالت‌ها و شهرداری‌های فدرال در مورد افزایش تعداد پناهنده‌گان وجود دارد. رقم جدید پذیرش ۱.۲ میلیونی مهاجران از سوی دولت آلمان، از رقم پذیرش ۸۹۰ هزار نفری از سوی این کشور در اوج بحران مهاجرت در سال ۲۰۱۵ پیشی گرفته است.